



مهدی ملکوتی

تردید یک انتخاب

انتخاب همیشه سخت است مخصوصا اگر بنا باشد سرنوشت را انتخاب کنی و سخت‌تر زمانی می‌شود که بدانی انتخابی که انجام می‌دهی نه تنها بر سرنوشت خودت بلکه بر سرنوشت یک ملت به طور مستقیم تاثیر می‌گذارد. و یک بار دیگر من و تو باید انتخاب کنیم. باید رییس دولت را برای یک دوره چهار ساله انتخاب کنیم، دولتی که کوچک‌ترین حرکتش بر سرنوشت اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، امنیتی، سیاسی، عزت، شرف، سربلندی و... من، تو،

خانواده‌هایمان و کل کشور تاثیر گذار است و همین تاثیر گذاری است که کار انتخاب را سخت و حساس می‌کند.

و اما...

همه آن‌هایی که به مهم‌ترین صندلی اجرایی کشور چشم دوخته‌اند، حرف‌های خوب و رنگارنگ بسیار می‌زنند. همگی خود را بهترین و اصلح‌ترین می‌دانند و همگی بر اسلاف خود نقد‌های بعضا تند و تیزی روا می‌دارند و من و تو می‌مانیم با یک دنیا سرگردانی و تحیر که واقعیت کدامست؟

من و تویی که هم به راست راست رای داده‌ایم و هم به چپ چپ و البته هر کدامشان احتمالا در حد بضاعت شان تلاش کرده‌اند هر چند که من و تو چندان از انتخاب‌های گذشته راضی نبوده‌ایم.

امروز برای انتخاب سرگردان شده‌ایم و البته طی ۲۶ سال گذشته آموخته‌ایم که چندان به شعارها و رای‌ها هم نباید توجه کرد و دل خوش بود. بر همین اساس در بعضی مقاطع قهر کردیم و منفعل شدیم و البته خیلی زود متوجه شده‌ایم که انفعال نه تنها خوب نیست بلکه بعضی اوقات به

پاسخی به یک مقاله

حسین رزمجو

خاتمی، ۱۶ آذر و انار شیشم

مقاله ای در مجله گزارش شماره ۱۶۰ بهمن ماه ۸۳ تحت عنوان ۱۶ آذر فریادها و نجواها به قلم جناب آقای محمد معماری ملاحظه و مطالعه گردید و هیفتم آمد نقد مختصری بر آن ارایه نمایم.

نگارنده محترم عزیزم دلسوزی‌ها گاهی آقای رییس جمهور را به محاکمه کشانده و به نظر ما حقوق دانان بدون اخذ دفاع و آخرین دفاع مظلومانه وی را در پیشگاه تاریخ محکوم نموده به هر تقدیر با مطالعه مقاله این جمله از مرحوم زنده

یاد دکتر شریعتی به ذهن متبادر می‌گردد که "خدا یا به ماتریالیست‌ها که اقتصاد را هدف می‌دانند بفهمان اقتصاد اصل است و همچنین به تارکان دنیا بفهمان که باز هم اقتصاد اصل است." حال در جامعه امروزی ایرانی چنانچه توصیه شود که باید فکر و اندیشه مخالف را تحمل کرد به لیبرال و غرب‌زده بودن متهم می‌شوی و چنانچه به این طرفی‌ها توصیه شود که بایستی بی‌نظمی عمومی را در نظام اسلامی رعایت کرد و خواسته‌ها را بایستی در چهارچوب قانون اساسی (که ظرفیت این مطالبات را دارد) جویا باشد به سازشکار بودن

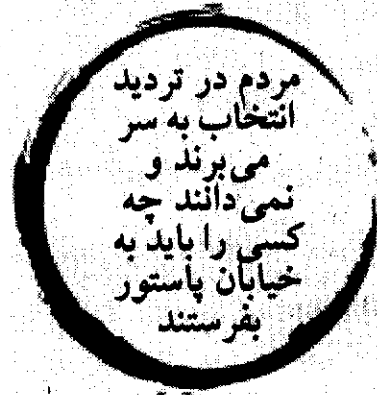
متهم می‌شوی، به عبارتی، جانب افراط و تفریط در هر موضوعی قابل دفاع نیست و بایستی جانب اعتدال رعایت گردد. حضرت امیر (ع) می‌فرماید: "نمی‌بینی جاهل را مگر آن که یا افراط می‌کند یا تفریط" به عبارتی، کارهای افراط و تفریط امیر عالمانه نیست. آیا نگارنده محترم با خودش تامل نمی‌نماید که در قبال برخورد خشونت‌آمیز خشونت طلبان معارض و مخالف آزادی و دموکراسی، جانب تفریط را طی کرد بنابر این لازم است در باره اصلاحات و اصلاح طلبی در این جا یادآور و متذکر شد که این جریان نه یک جریان برای چپ‌های

ضررمان نیز تمام شده است و به همین جهت می‌خواهیم انتخاب کنیم.

اما چه کسی را؟

تجربه می‌گوید تاکنون نه آن‌هایی که با شعار بهبود وضعیت معیشت مردم، اقتصاد، سازندگی و ارزش‌ها به قدرت رسیده‌اند، نه آن‌هایی که با شعار کرامت انسانی و آزادی‌های مشروع سکان قوه مجریه را به دست گرفته‌اند، نه آن‌هایی که با آرای کم انتخاب شده‌اند و نه آن‌هایی که بیش از حد تصور رای اخذ کرده‌اند، هیچ کدام آنی نبوده‌اند که من و تو انتظار داشتیم و این چنین است که باز هم من و تو مانده‌ایم با یک دنیا مطالبه، یک مثنوی پرسش بی پاسخ و دهها کاندیدا که می‌خواهند به ساختمان پاستور بروند.

مهلت ثبت نام نامزدهای احراز پست ریاست جمهوری به پایان رسید و همه جور آدمی برای احراز کلیدی‌ترین و مهم‌ترین پست اجرایی کشور ثبت نام کرد. از دختر ۱۸ ساله گرفته که چون فکر می‌کرده پیدا کردن کار در این کشور سخت است، تصمیم به رییس‌جمهور شدن گرفته تا آن پیرمرد شیرفروش و یا آن که می‌خواست نوکر ملت شود. اما معروف‌ترین کاندیداهای ریاست جمهوری عبارت بودند از: دروازه‌بان پیشین تیم ملی فوتبال، شهردار فعلی تهران، فرماندهان پیشین سپاه پاسداران و پلیس، وزیر سابق علوم، عضو سابق شورای نگهبان، دبیر کل حزب همبستگی، رییس



پیشین سازمان صدا و سیما، رییس سازمان تربیت بدنی، رییس سابق مجلس و نهایتاً رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام که سابقه ریاست بر مجلس و دولت را هم در کارنامه خود دارد و البته چند چهره دیگر. در این شرایط من و تو مانده‌ایم با یک دنیا تردید، یک عالم شمار رنگارنگ و هزاران حرف و حدیث ضد و نقیض و یک انتخاب حساس و سرنوشت‌ساز. البته شورای نگهبان چون همیشه به لطف رد صلاحیت‌های گسترده‌ای که انجام داد تا حدود زیادی تکلیف همه را روشن کرد و آب سردی روی دست بسیاری ریخت اما ما باید دوری کنیم. هر چند که تدبیری رهبری نیز دامنه انتخاب را کمی گسترده کرد

چه باید کرد؟

چه کسی را انتخاب کنیم بهتر است؟ آیا به شهرداری که می‌گوید به اذن... ثبت

نام کرده‌ام می‌توان اعتماد کرد؟ آیا نظامیان انتخاب مناسبی هستند؟ آیا عملکرد رییس سازمان صدا و سیما آن قدر درخشان است که بتوان او را برای ریاست دولت انتخاب کرد؟ تا چه حد می‌توان به فرهیخته‌ای چون معین دلبست آیا او از تردید رها می‌شود و می‌تواند اصلاحات را راهبری کند؟ آیا به اعتبار استاندار بودن در خراسان و ریاست بر سازمان تربیت بدنی می‌توان به مهر عزیزان دلبست؟ راه حل‌های شیخ مهدی کروبی چقدر می‌تواند کشور را به پیش برد؟ آیا با دادن وعده ماهیانه ۵۰ هزار تومان به هر ایرانی بالای ۱۸ سال و ریش سفیدی می‌توان همه مشکلات را حل کرد؟ با هاشمی چه باید کرد؟ مرد پر قدرتی که همه جور حرف و حدیثی را در مورد دوران مدیریت او و وضعیت خانواده‌اش می‌توان این روزها خواند و شنید. اما چرا؟ مگر هاشمی در گذشته چگونه بوده است؟ هاشمی مردی است که می‌گوید با گذشته فرق کرده و دیگر مثل گذشته عمل نمی‌کند. اما چرا او می‌خواهد متفاوت باشد؟ مگر هاشمی در گذشته چگونه بوده؟ هاشمی البته مردی است که بدون هیچ اغراقی از تمام نامزدهای احراز پست ریاست جمهوری، پر قدرت‌تر، سیاست‌تر، کار آزموده‌تر، با تجربه‌تر و با سابقه‌تر است. اما او هم هاشمی است با تمامی ضعف‌ها و قوت‌ها.

و من و تو البته همچنان در تردید، در تردید یک انتخاب و گریز از انفعالی دیگر به سر می‌بریم.

تندرو و نه آن راست‌های محافظه‌کار (چه از نوع سنتی و چه از نوع امروزی و نو) بوده بلکه جریان معتدلی است که با فشاری بر ارزش‌های انقلاب و اسلام و از تحقق مطالبات مردم به نحوی آزاد و نوام بر دموکراسی دفاع می‌کند و به تعبیر حضرت مولی‌المودین: "راست روی و چپ روی گمراهی است و راه میانه و اعتدال راه هدایت". در ۱۶ آذر ۸۳ در دانشگاه تهران همان طرفداران در واقع ناآگاه و احساساتی، آزادی و دموکراسی که همانا چپ‌روهای افراطی محسوب می‌شوند سید یزدی که آنها را به آرامش و نظم فرا می‌خواند را مورد طعن و ناسزا قرار دادند و نگارنده محترم به جای نگوهرش آنها دستور رییس‌جمهور برای ایجاد نظم و حتی تهدید به بیرون کردن افراد محل نظم را محکوم می‌کند آیا نگارنده محترم تفاوت بین هرج و مرج و آزادی را دقت نفرموده که هر فرد یا گروه

و دسته‌ای که بر هم زنده نظم باشد (هر چند دموکراسی و آزادی خواهی را شعار خود قرار داده باشد) محکوم است حال چه بر هم زنده نظم جلسه سخنرانی رییس جمهوری باشد و چه بر هم زنده جلسه سخنرانی جناب آقای دکتر سروش و سایر اصلاح‌طلبان. بر اساس روایت مشهور: "کار قبیح از هر شخص قبیح است و از شما قبیح‌تر می‌باشد بنابر این بر هم زدن جلسه سخنرانی برای مدعیان آزادی و دموکراسی بسیار زشت‌تر است تا دیگران. این حرکات چنان زشت بود که موجب شرمساری افراد متصف هم گردید. تا آن که مورد سو استفاده سیزده‌جویان آزادی و دموکراسی قرار گیرد تحمل خیلی از سخن‌ها و انتقادهای از جانب رییس جمهوری صبور و سکوت علی‌واری بر این ایرادها و طعن‌ها از ناحیه همراهان احساساتی و

دیگران، یادآور سکوت حضرت علی (ع) بوده و به نظر می‌رسد تاریخ ایران عزیز تاکنون چنین مصلحتی به خود ندیده و ایشان خلاصه‌ای از آزادیخواهان دوران مشروطه و نهضت ملی شدن صنعت نفت و حکومت مرحوم دکتر مصدق و نهضت یازده خرداد و وارث مرحوم سید جمال‌الدین اسدآبادی‌ها و مدرسه‌ها و نایب‌ها و دیگر فرزندان این مرز و بوم در مقاطع مختلف تاریخ است و پیرو تمام و کمال حضرت امام خمینی (ره) آن قهرمان ملی و دینی می‌باشد و انشا... پس از نهادینه شدن دوران اصلاحات، چنانچه لب بگشاید و درد دل کند قطعاً خطبه شفشقیه مولا را خواهند خواند که "خار در چشم و استخوان در گلو صبر و تحمل کردم. لیکن به تعبیر حضرت امیر (ع) آنان که در شامگاهان راه رفتند در بامداران ستوده می‌شوند. به پایان آمد این دفتر ولی حکایت همچنان باقیست.